

ثمره «خون» از حضور بیشتر است

گفت وگوبا «زینب سید علی» از لبنان، فعال اجتماعی و عضو رسانه حزب ا... درباره تاثیر حضور و شهادت آیت ا... خامنه ای در محور مقاومت و بیداری آزاد اندیشان در غرب. حرف های او قابل تامل است



صادق غفوریان
m.ghafourian@khorasannews.com

واکنش عموم لبنانی ها به شهادت آیت ا... خامنه ای، محور مقاومت پس از این شهادت، وضعیت سیاسی دولت این کشور و مسئله امروز سوریه، مجموعه موضوعات گفت وگویم با «زینب سید علی» فعال اجتماعی و عضو رسانه حزب ا... لبنان است.

اساسا در مجموعه گفت وگوهایم با این بدنه از جریان مقاومت در منطقه، با اعماق وجود به این باور رسیدم که اندیشه و عمل آنان نسبت به جهاد، شهادت و مقاومت در برابر ظلم صهیونی و آزادی خواهی، جنسی متفاوت از همه جهان دارد. آنان مفاهیم شهادت و مقاومت را به سلول سلول زیست کرده و خالصانه و باورمندانه آن را به آغوش کشیده اند. زینب، از سال ۲۰۰۹ یعنی حدود ۱۸ سال قبل در رسانه مشغول فعالیت است. شبکه المنار و رادیو نور، رسانه های رسمی حزب ا...، خانه و خاستگاه فعالیت های اوست. مسئله فلسطین و آوارگان از جمله دغدغه های رسانه ای «زینب سید علی» است. با او که برای وداع با شهید آیت ا... خامنه ای به ایران آمده بود، ساعتی هم سخن شدم.

زینب، من مطلع هستم که بسیاری از همکاران رسانه ای شما و فعالان فرهنگی و حتی مردم لبنان شوق حضور در ایران و مراسم تشییع آیت ا... خامنه ای را داشتند. می خواهم از مشاهدات در این زمینه برایم بگویند.

اول این را بگویم که من در ایران و مراسم های وداع، تحت تاثیر حضور پر شمار چهره های مطرح رسانه ای کشور های منطقه و سایر کشور ها حتی از اروپا و آمریکا قرار گرفتم. معتقدم، اغلب این خبرنگاران به این حقیقت باور داشتند که این مرد، نماینده همه مظلومان جهان بود، حتی دلیل حضورشان در ایران نیز همین باورشان بود. شما از من بهتر شاهد بودید که چگونه حضور باشکوه مردم را در رسانه هایشان پوشش دادند.

حال اگر بخواهم در مورد لبنان صحبت کنم، باید بگویم از لحظه اعلام تاریخ تشییع پیکر رهبر، همه هیجان زده و علاقه مند و پیگیر بودند که چگونه می توانند به ایران بیایند. علاوه بر خبرنگاران و گزارشگران، هنرمندان، برخی از طراحان گرافیک، عکاسان و کارگردانانی مانند مصطفی وهبی و همچنین روزنامه نگاران مطرحی مانند رضوان مرتضی و رولانصر که غیرمسلمان و در لبنان شناخته شده است.

به طور کلی، می دانم که خیلی ها علاقه مند بودند به ایران بیایند که متأسفانه برخی نتوانستند خودشان را به این جا برسانند. اما غیر از رسانه ای ها، کاربران در فضای مجازی و رسانه های اجتماعی، بسیار گسترده به تشییع رهبر شهید پرداختند.

ببین، اگر بخواهم به طور خاص در مورد لبنانی ها صحبت کنم، این طور می گویم که وقتی ما آدمیم، از جهاتی با سایر مردم متفاوت بودیم. چرا؟ چون ما سید علی خامنه ای را پدر خود می دانیم. درد این فقدان برای ما مشابه درد و احساسی است که ایرانیان دارند. ما در اشتیاقمان به او، شناخت او و حتی وداع با او با مردم ایران تفاوتی نداریم. من معتقدم که قبل از شهادت رهبر، لبنانی ها از جمله مردمی بودند که او را به بهترین شکل می شناختند. خوب است بدانید وقتی خبر شهادت سید علی را دریافت کردیم همه مستقیماً به مرقد سید حسن نصر ا... رفتم. ازدحام آن جاطوری بود که نتوانستیم جایی برای ایستادن پیدا کنیم. چون مردم، شهادت نصر ا... را تجربه کردند و حالا شهادت سید علی یک فقدان بزرگ و جبران نشدنی برای آنان است.

ما در حقیقت احساس می کنیم پس از سید حسن، پدرمان را از دست داده ایم. بنابر این، شور و اشتیاق زیادی برای شرکت در مراسم تشییع او بودن در کنار او وجود داشت.

به دلیل حرفه ام که در رسانه است، در میان مردم، خانواده های شهدا و خانواده های مقاومت حضور دارم و البته من خودم یکی از آن ها یعنی خواهر یک شهید هستم. وقتی سید حسن شهید شد، ما حدود ۱۰ روز سر در گم بودیم. نمی دانستیم چه باید بکنیم و چه خواهد شد. ما سید حسن و فرماندهان مقاومت را از دست دادیم. اما خیلی زود، در جریان هر جوان خود را در قبال خون شهدا مسئول می دانست. همین امر در مورد جامعه نیز صادق بود. پس از شهادت رهبر نیز همین گونه شد، ما روز ها سر در گم بودیم. چه باید می کردیم؟ ما رهبر را از دست دادیم، ولی و پدر را از دست دادیم. اما اتفاقی شگفت انگیز، واقعا شگفت انگیز در ایران

و مقاومت رخ داد که نه تنها رزمندگان در خطوط مقدم، بلکه کل جامعه به طور متحد گفتند: «ما آماده ایم تا خود را فدا کنیم». ما در درونج از دست دادن را از کربلا آموخته ایم که چگونه بتوانیم از آن مقاومت ایجاد کنیم. من در اردوگاه ها با آوارگان حضور داشتم؛ در خانه ها حضور داشتم؛ با آوارگان کار کردم. از خانواده های آن ها و مادرانی که پسرانشان را، پسران دوم، سوم و چهارمشان را از دست داده بودند، بار ها شنیدم می گفتند: «من حالا خودم را فدای سید علی خامنه ای می کنم. من خودم را فدای می کنم تا جمهوری اسلامی باقی بماند». همه آن ها گفتند: «امروز می خواهیم جمهوری اسلامی قوی باشد، زیرا خیمه اسلام، خیمه محور مقاومت است.»

بنابر این، آن ها قوی هستند؛ آن ها به خاطر شما قوی هستند؛ آن ها به خاطر اندیشه خود قوی هستند.

زینب، در واقع، همین احساس و اشتیاق است که این مردم را به تشییع پیکر او کشاند...

کشیان، من مطلعم و خبر دارم که بسیاری از مردم برای هزینه های سفر به ایران وام گرفتند، حتی طلاهایشان را فروختند. می دانید که ما در لبنان به نوعی در جنگ هستیم و وضعیت اقتصادی بسیار دشوار است. از طرفی ما در لبنان به دلیل مقاومت دولت، نمی توانیم مستقیم به ایران بیاییم و باید از عراق یا استانبول بیایم و این هزینه سفر را افزایش می دهد.

در عین حال، ما به مراسم وداع رسیدیم، این جا با مردم ایران بودیم تا بتوانیم همان احساس فراق را تجربه کنیم، آن ها را تسلی دهیم، با آن ها گریه کنیم و با آن ها بار هبر وداع کنیم. به؛ من این همدردی را شبیه درد و غصه مردم ایران می بینم.

برای زنده ماندن اندیشه ها و آرای آیت ا... خامنه ای، چه برنامه و مسیری را دنبال می کنید؟

پاسخ این سوال، دو وجه دارد؛ اولاً این که نگاه و مکتب رهبر شهید، امروز جزئی از زیست سیاسی و اجتماعی ماست. اما وجه دیگر

وظیفه ای است که ما در باره مکتب او احساس می کنیم. در لبنان، در حوزه مقاومت، اقداماتی برای حفظ و نشر آثار سید علی خامنه ای پیگیری می شود. من و دوستانم در حال مستندسازی مجدد آثار و بیانات ایشان هستیم. این که رهبر در موضوعات مختلف همچون جوانان، فرهنگ، مقاومت، وحدت اسلامی و... صاحب چه اندیشه ای بوده است؟

ما اکنون بیش از هر زمان دیگری به اندیشه های سید علی خامنه ای نیاز داریم چون احساس مسئولیت می کنیم، چون احساس فقدان می کنیم، چون احساس می کنیم که بدون اندیشه های خامنه ای نمی توانیم ادامه دهیم و مردم لبنان -با کمال فروتنی می گویم- از وفادارترین مردم به ایده ولایت فقیه و ایده

رهبری هستند. به همین دلیل، سید حسن نصر ا... همیشه به ما می گفت: «من رهبر نیستم؛ رهبر سید علی خامنه ای است.»

اگر موافق باشی، فضای صحبت را به لبنان این روزها و شرایط سیاسی دولت ببریم. امروز در موضوع کشورتان، چه مسئله ای نگرانتان می کند؟

به نظر مردم، همان مردم و جامعه اهل مقاومت هستند. اما دولت جدید بیشتر به سمت آمریکا متمایل شده است. احتمالاً شما هم از این فضا مطلع هستید؛ لبنان در حوزه سیاست بین الملل به سمت عادی سازی روابط با دشمن اسرائیلی در حرکت است. یعنی مردم در یک فضا و سیاست لبنان در مسیر و فضای دیگری حرکت می کند.

اما مسئله «مقاومت» در میان عموم مردم لبنان یک اصل است. ما حقیقتاً به این موضوع اعتقاد راسخ داریم و این فقط شعار یا حرف نیست.

ما همواره معتقدیم که خون شهدا بالاخره شرایط را تغییر می دهد. برادر من یک شهید است. اغلب خانه های یک شهید دارند که همین خون شهید سرانجام اثر خود را در مسیر پیروزی علیه صهیونیسم خواهد گذاشت. به نظر شما اثر خون سید حسن نصر ا... چیست؟ همه ما در دا دست دادن سید علی را حس کردیم. ما هم مثل مردم ایران داغدار شدیم، اما عمیقاً معتقدیم که «خون» سرانجام شرایط و اوضاع را تغییر می دهد؛ نتیجه و ثمره خون، یک روز آشکار خواهد شد. معتقدم یکی از آثار این خون، امروز این است هر فرد در جامعه مقاومت -خودش یک «سید علی» شده و برای خودش مسئولیت مضاعفی احساس می کند.

حالا فضای گفت وگو را به فراتر از ایران و لبنان ببریم. امروز جایگاه مقاومت را در عرصه های فرمانطقه چگونه می بینی و نفوذ کلام سید علی خامنه ای در میان آزاداندیشان به خصوص جوانان در سایر

ممالک به ویژه در غرب از نگاه تو در چه موقعیت و شرایطی است؟ من معتقدم که ما امروز از اسرائیل قوی تر هستیم. آمریکا محور مقاومت -ایران، حزب ا... و عراق- را ضعیف می دانست، همان طور که سید علی خامنه ای گواهی داده است، مطمئناً ما قوی تر شده ایم. من ویدئوهای رسانه ای نظامی مقاومت اسلامی، حزب ا...، در جنوب را همواره دنبال می کنم. آن ها می گویند: «ما همچنان هستیم» و این یعنی باور قدرت و قدرت، بین، من ارتباط مستقیمی با چهره ها و فعالان رسانه ای خارج از منطقه ندارم، اما آن ها را در رسانه های اجتماعی و پلتفرم ها دنبال می کنم. سید علی خامنه ای، برای انتقال و انتشار حقیقت،



تماس هستیم. اوضاع برای آن ها نگران کننده است؛ آن ها در ترس زندگی می کنند. ما مطمئنیم که اتفاقات مثبتی در جنوب و در بلندی های جولان در حال انجام است که ان شاء... تحولات خوبی را رقم بزنند. این را هم بدانیم که خدای ما همان خدایی است که همیشه یار و همراه ما بوده و خواهد بود. می دانیم که سوریه به سمت تجزیه پیش می رود؛ این واضح است. این واقعیت است. متأسفانه ترکیه در این سر نوشت سوریه نقش ایفا کرد و امروز هم می بینیم که از سوریه چیزی به دست نیاورد و اصطلاحاً دستش خالی ماند. اخیراً به دلیل سفر، مسائل سوریه را دنبال نکردم، اما برخی از سوری ها معتقدند که اکنون توافقی برای جایگزینی جولانی وجود دارد و به نظر می رسد ماموریت او به پایان رسیده است.

سوریه، سوریه، سوریه... ر ک و پوست کنده بگویم که واقعا سوریه یک زخم برای ماست. سوریه ستون فقرات جهان عرب و برای ما مایه افتخار است.

ما دلتنگ زیارت حضرت زینب (س) هستیم و حقیقتاً ناراحتیم. من با شیعیان داخل سوریه در

پدید آمده بود.

در صحبت هایت از تاثیر و ثمره «خون» شهید گفتی که اساسا این همان باور و اعتقاد همه ماست که این خون، در مسیر مکتب کربلا و در جهت استقرار حق و حقیقت، ان شاء... تاثیر خودش را خواهد گذاشت...

بله، قطعاً این گونه است. اعتقاد ما این است که خون ثمره بیشتری از حضور شخص دارد و شهید از زنده حاضر تر است. بنابر این، مطمئنم که خون سید علی خامنه ای اکنون می تواند جوانان غرب را متحد کند.

زینب، موضوع پایانی ام، سوریه است. سوریه امروز را چگونه می بینید و فکر می کنید، چه آینده ای در انتظار این کشور و شرایط سیاسی اش خواهد بود؟

سوریه، سوریه، سوریه... ر ک و پوست کنده بگویم که واقعا سوریه یک زخم برای ماست. سوریه ستون فقرات جهان عرب و برای ما مایه افتخار است.

ما دلتنگ زیارت حضرت زینب (س) هستیم و حقیقتاً ناراحتیم. من با شیعیان داخل سوریه در

دو سال قبل از شهادتش، پیمای به جوانان غرب فرستاد و به آن ها گفت: «ما با شما همدردیم. ما آزادی را مانند شما می خواهیم. ما با شما هستیم.» من معتقدم که جوانان آزاداندیش در غرب به پیام او واکنش نشان دادند. چون او را تنها مردی در جهان یافتند که آن ها را در ک می کرد، مردی که به آرمان های آن ها برای آزادی نزدیک بود. در نتیجه، وقتی سید علی خامنه ای شهید شد، واکنش بسیاری را در آن ها دیدم. آنان اغلب کلمات «پروردگار، رهبر...» را پس از خبر شهادتش استفاده می کردند. آن ها مسلمان نیستند؛ معانی ولایت فقیه را نمی دانند، ایران را نمی شناسند اما این مرد روحانی توانست در قلب همه نفوذ کند. من اخبار را دنبال کردم که حدود یک هفته، حتی در خیابان های فرانسه، در شماری از شهر های اروپا و در خیابان های آمریکا تظاهرات وجود داشت. آن ها احساس می کردند که به این مرد وابسته اند چون او را رهبر مستضعفان جهان می دیدند. آن ها احساس کرده بودند که می توانند به او تکیه کنند. شاید این شناخت دیر اتفاق افتاده بود اما بالاخره این بیداری در آن ها

جناب آقای مهندس مسعود ملازاده
با کمال تأسف و تأثر درگذشت پدر گرامیتان را به شما تسلیت عرض نموده؛ از خداوند متعال برای آن مرحوم طلب رحمت و مغفرت و برای شما و سایر بازماندگان صبری جمیل و اجری جزیل خواهانیم.
هیئت مدیره، مدیر عامل و کارکنان شهرک صنعتی چناران



۱۳۹۳۹۴

چهار سال از وداع نابورانه اش گذشت! چهار سالی که با تحمل هجرت و مبدل به قرنی شد و چشمان خسته ما به امید باز گشت او مانند دو شمع سوخته جان، همچنان به راه است.

چهارمین سالگرد پدری دلسوز و همسری مهربان دکتر علی ارباب
را گرامی می داریم. **همسر و فرزندان**



دنیا آنقدر ندارد که بر او رشک برند

یا وجود و عدمش را غم بیهوده خورند

نظر آنانکه نکردند در ین مشتی خاک

الحق انصاف توان داد که صاحب نظرند

شش سال از درگذشت مادر عزیز و مهر بانمان

حاجیه انیس خانم پرویز

(همسر مرحوم حاج اصغر خان کاشانی)

سپری شد.

مهرش همواره در قلب ما جای دارد.

روحش شاد و جایگاهش بهشت برین